



تیتراژهای امروز



«وطن امروز» اعتراف مهم ویتکاف درباره استیصال ترامپ به خاطر تسلیم نشدن ایران با وجود لشکرکشی نظامی آمریکا را بررسی کرد

ایران کلافه‌اش کرده

واکاوی سیاست‌های تجاری ترامپ و پرونده منازعه بر سر قانون اختیارات اقتصادی سرنوشت لریزان (مرد تعرفه‌ها))

صفحات یک و ۷

خشم پایتخت‌های عربی از توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها با چراغ سبز واشنگتن

دم خروسی که هاگبی نشان داد

میانگین مخازن سدهای کشور ۴۱ درصد است

آخرین وضعیت ذخایر آبی

استان‌های تهران، البرز، قزوین، مرکزی، قم و همدان در وضعیت قرمز آبی

روز استیصال شیطان

نگاه رها عبداللهی

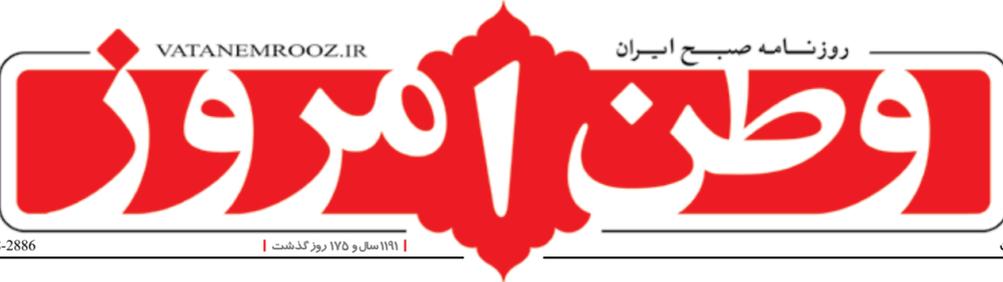
ترامپ به گفته ویتکاف از تسلیم نشدن ایرانیان متحیر - بخوانید مستأصل - شده است. سگ زرد دیوانه، طی یک سال ایران را با جنگ ۱۲ روزه، کودتای خونین ۱۸ و ۱۹ دی، تهدیدهای مکرر معتبر و نامعتبر با بی‌دوها و ناوها و رفت و آمد سوخت‌رسان‌ها و تجهیزات نظامی برای گنج و مستأصل کردن مردم و حاکمیت ایران، سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، مهیب‌ترین جنگ رسانه‌ای و شناختی با هدف زمین زدن عزم و انگیزه مردم و ده‌ها فتنه و حمله بزرگ و کوچک تحت فشار و ضربه قرار داد؛ شیوه‌هایی که طبق خروجی اندیشکده‌های دراز و کوتاه امنیتی و دفاعی شان هر کدام به تنهایی می‌توانست یک کشور را به بحران موجودیتی برساند اما درباره ایران اسلامی ماجرا فرق کرده و شیطان را به سرگیجه انداخته که چرا اینها تسلیم نمی‌شوند؟

مقام معظم رهبری چند روز پیش در دیدار مردم تبریز حکایت این تسلیم نشدن را تحت ذکر یک کد تاریخی ریشه‌دار در تمدن شیعی ایرانی بیان فرمودند: «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است. می‌داند که چه کار کند. امام حسین علیه‌السلام فرمود: مثالی لا یباع مثله؛ کسی مثل من، با کسی مثل او (یزید) بیعت نمی‌کند. ملت ایران در واقع می‌گوید: ملتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سرمدلرانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد».

دلیل این بیعت نکردن یا به عبارت دیگر تسلیم نشدن چیست؟ ظاهراً لازم است به ترامپ آدرس داد تا از این تحیر بیرون بیاید.

روبه‌رو شدن ۲ ماهیت متضاد در استکبار و ایران

دلیل اصلی تسلیم نشدن ایران، روبه‌رو شدن ماهیت آمریکا با ماهیت ایران اسلامی است. ماهیت آمریکا امپریالیستی است. به عبارت ساده‌تر، آمریکای ترامپ مثل آمریکای حداقل ۷۰ سال گذشته به دنبال بلعیدن کشورها و مسلط شدن بر ملت‌هاست. منتها قول و فعل ترامپ رسواکننده زست دموکراسی‌خواهی حکام قبلی آمریکاست و آشکارا در حال جهان‌خواری است و در این مسیر از قربانی کردن دوستان و متحدانش هم ابایی ندارد. هویت تاریخی ملت ایران تسلیم شدن در برابر مستکبران را بر نمی‌تابد. مقام معظم رهبری ماه گذشته در بیانات‌شان به مناسبت آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی درباره نوع مواجهه ملت ایران با این ویژگی آمریکا فرمودند: «مسئله آمریکا و ایران چیست؟ در این تقابلی که وجود دارد و چهل و چند سال است ایران و آمریکا دشمنی دارند، مساله چیست؟



ماجرای پرواز ۳ پهباد ایرانی بر فراز ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن نشان داد ایران سورپرایزهای متنوعی برای نیروهای آمریکایی در منطقه تدارک دیده است

عملیات ترکیبی



چرا لیبرال - دموکراسی توان فهم جمهوری اسلامی را ندارد؟

زیرا دکترین سیاسی ایران از دوگانه جبری غرب، هویت دینی - ملی، مقاومت ذاتی در برابر مستکبر، اقتصادی لیبرال - دموکراسی غربی است و در برابر آن، ایران دیگر تنها یک کشور یا جغرافیا نیست، بلکه یک مدل بدیع دولت - ملت است که بر ویرانه‌های فرضیات جهان پساوستالیایی بنا شده و در حال به چالش کشیدن تمام اصول بدیهی انگاشته‌شده غرب است. استیصال امروز واشنگتن، ناشی از این برخورد تمدنی و پارادایمی است.

فوکویاما در کوچه بن‌بست: نزاع هستی‌شناختی با لیبرالیسم سکولار

جهان غرب پس از فروپاشی شوروی، با تکیه بر نظریاتی چون «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما مدعی شد مدل لیبرال - دموکراسی سرمایه‌دارانه، غایت نهایی و تکامل‌یافته‌ترین شکل زیست سیاسی بشر است. پیش‌فرض این الگوسیالر ساده‌بده همه‌انسان‌ها و متعاقباً همه دولت‌ها در نظام بین‌الملل، بازیگرانی محاسبه‌گر با ذهنیتی مبتنی بر مادیات پراگماتیک هستند. در این پارادایم، یگانه هدف هر سیستم سیاسی، بقای مادی و به حداکثر رساندن سود و لذت اقتصادی است.

اگر این فرض را بپذیریم، سیاست خارجی آمریکا در ۷۰ سال گذشته کاملاً منطقی و موفق بوده است. ابزار این لیبرال - دموکراسی برای تسلیم کردن جهان چه بود؟ تئوری‌های نورنالیستی که می‌گفتند برای تغییر رفتار هر بازیگری ۲ اهرم کافی است: تهدید وجودی (مانند اعزام ناوگان هواپیمابر که بقای فیزیکی را تهدید می‌کند) و محاصره منابع (مانند تحریم‌های فلج‌کننده و انزوای دلارمخور). الگوریتم لیبرال - دموکراسی به درستی محاسبه می‌کرد که وقتی ملتی میان فقر و فروپاشی نظامی از یک سو و پذیرش سلطه آمریکا (همراه با ورود به بازارهای جهانی) از سوی دیگر مخیر شود، لاجرم هژمونی را انتخاب خواهد کرد، چرا که برای انسان اقتصادی و لیبرال سکولار، هیچ ارزشی بالاتر از حیات و رفاه بیولوژیک وجود ندارد.

اما نقطه تولد حیرت ترامپ و ویتکاف درست همین‌جاست: جایی که الگوریتم لیبرال - دموکراسی از فهم موجودیت جدیدی به نام جمهوری اسلامی ایران قلع می‌شود. جمهوری اسلامی مدلی متفاوت از حکمرانی به جهان معرفی کرده که اگرچه در سازوکار اداره دولت مدرن دخیل است اما مغزافزار محاسبه‌گر آن کاملاً با نظام غرب متفاوت است.

ساختار سیاست در نگاه اندیشه‌وران لیبرال غرب مبتنی بر ایجاد یک نظم شبکه‌ای سلسله‌مراتبی است. به زبان ساده‌تر، معماری سیاسی و حقوقی نهادهای بین‌المللی که آمریکا را سر هرم آنهاست، بر پایه کنترل دیگر کشورهاست. کشورهایی که با سیستم لیبرال همراه می‌شوند تا سطح محدودی مجاز به قدرت گرفتن هستند و هر گونه عدول از نظم واشنگتن، مسأله‌ای با مرگ است. الگوی سیاسی برآمده از ایران جدید، یعنی نظام متکی بر نظریه ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی، از پایه این سلسله‌مراتب را نامشروع (طاغوت) می‌داند. ایران نشان داده مدل حکمرانی برای موفق بودن الزاماً نیازی به استتساخ از نظام‌های سرمایه‌داری ندارد. غرب تلاش کرد در مدل خاورمیانه بزرگ، دموکراسی‌های وارداتی را (در قالب لیبرالیسم محدودشده غربی) از طریق لشکرکشی به منطقه القا کند اما در تضاد کامل با ارزش متجاوز و ناوهای پنتاگون، دموکراسی مشارکتی درون‌زایی در ایران با گرفته‌فت که با پیوندهای توده‌ای عمیق، مقاومت و کنشگری ضدسلطه را با اراده ملی ممزوج کرده است.

عامل اصلی که امثال ترامپ و تیم تاجرپیشه آنها را عیبی می‌کند، فروپاشی اساسی مکاتبه فشار آنهاست. وقتی دولتمردان آمریکایی نیروی نظامی فرستادند، رویایشان ایجاد وحشت برای کرنش بود. آمریکا استاد مهندسی ترس است و سیاست ایجاد هراس، ستون فقرات هژمونی آمریکاست. وقتی ناوگان‌های واشنگتن جابه‌جا می‌شوند، تمام دولت‌های غربی منطقه (که دست بر قضا متحد غرب هستند) مرعوب می‌شوند و دولت‌های سکولار شرقی، معادلات‌شان را تغییر می‌دهند اما چرا رهبر ایران، نیروهای مسلح آن و ملت معتقد پشتیبانش دچار فرونشست نمی‌شوند؟

اگر دنیا متوجه شود کشوری می‌تواند در دالان ۴۷ ساله از انواع توطئه‌ها - از شورش‌ها تا شدیدترین فشارهای همه‌جانبه - قرار بگیرد، به ناو آمریکایی حمله مستقیم کند و ساختار پوشالی صهیونیسم را برآشفته کند و نه تنها فروپاشد، بلکه وسعت بازدارندگی خود را بیفزاید، در آن زمان، فاتح‌کل همه‌جهانی پنتاگون نظام کاپیتالیسم برای بلعیدن جهان مستقلین خوانده می‌شود.

طلیحه جهان چندقلبی در گورستان نظر‌به‌های نولیبرالی

این سخنان افراد مستقر در دالان‌های اتاق‌های تصمیم‌ساز غربی نباید تنها یک پیروزی رسانه‌ای تلقی شود، بلکه نیازمند تحلیل با ادبیات عمیق فلسفه سیاسی است. این نقل‌قول‌ها از درون سیستم سیاسی آمریکا همان شیپوری است که در حال نواخته شدن است؛ صدای فروریختن استخوان‌های فلسفه اقتدارگرایانه غربی و افول یک ابرقدرت که متکی بر نیروی ارعاب بوده است. آنها که در نظر‌به‌های لیبرالی‌شان تاریخ بشر را محدود و منحصر در حکومت‌هایی بر پایه‌های نفسانیت سکولار، پته‌محصور کرده بودند و ادعای کردند نسخه‌بشر با سیستم‌های تک‌ساحتی کاپیتال - دموکرات مخموم شده است، حالا روبه‌روی نظامی قرار گرفته‌اند که تلفیقی حیات‌بخش از سنت الهی یا فناوری نو و درآمخته با عنصر لاینفک اراده آزاد و استقلال خواه را بنیان نهاده است. جمهوری اسلامی فرضیه بنیادین واشنگتن را که عنوان می‌کرد توسعه منوط به اطاعت از قوانین دموکراسی غرب است، از مدار خارج کرده است.

تعب و واماندگی آنها از عدم زانو زدن ایران نیست؛ از این رو است که ایران اساساً زبان و منطق بازی زورساز غرب را برای تعیین حدود خویش ابطال کرده و با تولید حیرت واشنگتن نهایتی نخواهد داشت، مگر با انصراف از درک ایران مستقل به عنوان مهره و به رسمیت شناختن مدلی که به تعبیر غربی‌ها نامش «عمما» در زبان ایرانیان «استقلال بر محور ایمان مقاومت‌آفرین» نام گرفته است.



بدون وقفه کار کنید | بهنای باند اختصاصی رسپینا

